

بیبی قشقرق ۳



ته تیش پاره‌های دنیا

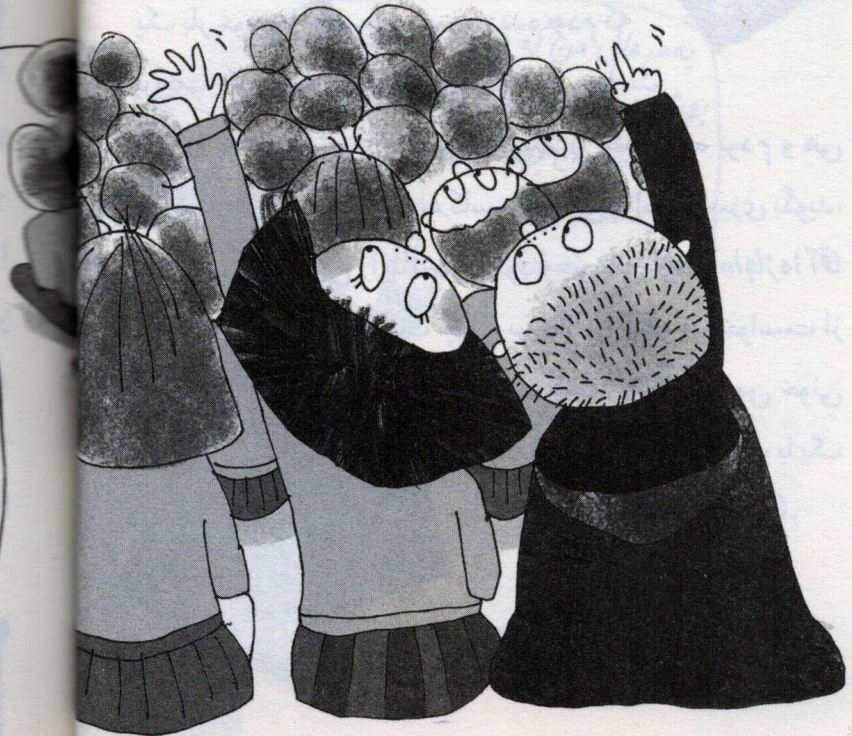
نویسنده: جوآنا نادین
تصویرگر: جس میخائیل
مترجم: مونا توحیدی

داشته باشید به دیگران کمک کنید، و
آخرش هم گفت:



پنلوپه جونز و کاسمو
مون و بستر! دیگه از دست
سروصدای شما دو تا زله
شده ۴. این دفعه‌ی پنجمه تو
این هفته که دارم بهتون
تذکره می‌دم. حالا هم برای تنبیه،
زنگ تفریح به جای اینکه برین
پیرون و بازی کنین، باید بشینین
تو کلاس و به کارهاتون فکر کنین.

اما انگار آقای شومان من و کاسمو را نمی‌دید، با اینکه ما
شنل‌های نامرئی‌کننده پوشیده بودیم، حتی کاسمو شنل
جنگجویان جنگ ستارگانش را پوشیده بود (که خیلی هم مرئی
بود). آقای شومان عوض اینکه به حرف ما گوش بدهد، یکریز
حرف می‌زد و می‌گفت برای پیشاهنگ بودن باید یاد بگیرید
که همیشه نهایت تلاشتان را بکنید و بدون اینکه انتظار تشکر



ما هم زنگِ تفریح نشستیم توی کلاس و به این چیزها فکر کردیم:

۱. هیف شد که الان بیرون نیستیم، چون آن وقت می توانستیم لوک بروس را ببینیم که یک لنگه پا از میله‌های زمین بازی آویزان شده و تاب می خورد. به نظر کار فیلی باهالی می آمد و ما هم دوست داشتیم امتحانش کنیم.

ب) آیا جن‌ها واقعاً وجود دارند؟

سه. در جنگ بین اپتیموس پرایم، رهبر اتوبات‌ها، و یک تیرانوسور رگس کدامشان برنده می شود؟

داشتیم این فکرها را می کردیم که آقای شومان وارد کلاس شد و ازمان پرسید که درباره‌ی چی فکر می کنیم. گفتم درباره‌ی این فکر می کنیم که اگر یک تیرانوسور رگس، کفش موشکی داشت، باز هم از اپتیموس پرایم، رهبر اتوبات‌ها، شکست می خورد یا نه. آقای شومان گفت اصلاً منظورش فکر کردن درباره‌ی این جور چیزها نبوده، بلکه منظورش این بوده که فکر کنیم چه چیزهایی می توانیم از بریجت گریمز یاد بگیریم. یعنی فکر کنیم چه جوری نهایت تلاشمان را بکنیم تا آدم‌های مفیدی باشیم. من که اصلاً خوشم نیامد. چون خیلی دوست ندارم چیزی از بریجت گریمز یاد بگیرم. آخر بریجت پشت هم چیزهای این جوری بهم می گوید: «آله همین‌پوری به کارت ارامه ببری، باز خراب‌کاری راه می ندازی.» (که راست می گوید. واقعاً هم خراب‌کاری راه می افتد). خوب که فکر کردم دیدم من هم خیلی علاقه دارم نهایت تلاشم را بکنم تا آدم مفیدی باشم. کاسمو هم همین‌طور. برای همین تصمیم گرفتیم دوتایی

